

IRAN-UNITED STATES CLAIMS TRIBUNAL

دیوان دادگستری ایران - ایالات متحده

AWARD

Case No. 952

Chamber Two

پرونده شماره ۹۵۲

شعبه دو

حکم شماره ۹۵۲-۶۷۸

کامبیز حکیم ،

خواهان،

- ۹ -

IRAN-UNITED STATES CLAIMS TRIBUNAL	دیوان دادگستری ایران - ایالات متحده
FILED	ثبت شد
DATE	16 MAY 1990
۱۳۶۹ / ۲ / ۲۶ تاریخ	

دولت جمهوری اسلامی ایران ،  
خوانده.

اول۔ جریان رسیدگی

۱ - در تاریخ ۲۹ دیماه ۱۳۶۰ [۱۹] ژانویه ۱۹۸۲ کامبیز حکیم ("خواهان") دادخواستی علیه دولت جمهوری اسلامی ایران ("خوانده") و سازمانها، تشکیلات و واحدهای تحت کنترل آن به ثبت رساند و غرامتی "جمعاً" به مبلغ ۰/۸۶۶،۰۶۶ دلار امریکا به علاوه بهره به نرخ ۱۷ درصد و هزینه دادرسی، بابت سلب مالکیت ادعایی از سهام خواهان در شرکت کارخانجات پارس ماشین و شرکت پارس ماشین و نیز بابت مستغلاتی واقع در ایران مطالبه کرد. طبق اظهار خواهان، ادعای وی در ۱۲ فروردینماه ۱۳۵۸ [اول آوریل ۱۹۷۹] یا حوالی آن تاریخ بروز کرد.

۲ - دیوان پیرو تصمیم شماره الف/۱۸-۳۲ دیوان عمومی، مورخ ۱۷ فروردین ماه ۱۳۶۳ [ششم آوریل ۱۹۸۴] در پرونده جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده امریکا ( منتشره در Iran-U.S. C.T.R. 251 ) و طی دستور مورخ ۱۸ تیرماه ۱۳۶۴ [نهم ژوئیه ۱۹۸۵] از خواهان درخواست کرد کلیه ادله و مدارکی را که مایل است دیوان مورد بررسی قرار دهد تا تعیین کند که آیا وی تبعه ایالات متحده است یا تبعه جمهوری اسلامی ایران و یا تبعه هر دو کشور و در صورتیکه تبعه هر دو کشور است، مدارک مربوط به تابعیت غالب و موثر خود در مدت ذیربسط، یعنی از تاریخ بروز ادعا تا ۲۹ دی ماه ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] را به ثبت رساند. دیوان همچنین به خوانده دستور داد کلیه مدارک مستندی را که مایل است دیوان در مورد موضوع تابعیت خواهان بررسی کند، به ثبت رساند.

۳ - خواهان مدارک خود را در ۲۹ آذرماه ۱۳۶۴ [۲۰ دسامبر ۱۹۸۵] تسلیم کرد و خوانده مدارک و لایحه توجیهی خود را درباره موضوع تابعیت خواهان در هشتم شهریورماه ۱۳۶۷ [۳۰ اوت ۱۹۸۸] در دیوان به ثبت رساند. طرفین به ترتیب در

دوم مردادماه ۱۳۶۸ [۲۴ ژوئیه ۱۹۸۹] و ششم شهرماه ۱۳۶۸ [۲۸ سپتامبر ۱۹۸۹] لوایح معارضی درباره این موضوع به ثبت رسانند.

دوم. اسباب موجه حکم

۴ - دیوان عمومی در پرونده شماره الف-۱۸ (مذکور در بند ۲ بالا) نظر داد که دیوان صلاحیت رسیدگی به دعاوی اتباع مضاعف (اتباع ایران و ایالات متحده) علیه ایران را در مواردی دارد که "تابعیت غالب و موثر" خواهان "طی دوره ذیربطه، از تاریخ بروز ادعا تا ۲۹ دیماه ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱]" تابعیت ایالات متحده بوده است. صلاحیت دیوان را این دو تاریخ تعیین می‌کنند، زیرا در قسمتی از بند ۲ ماده هفت بیانیه حل و فصل دعاوی ذکر شده است که: «ادعاهای اتباع ایران یا ایالات متحده برحسب مورد، عبارت است از ادعاهایی که از تاریخ به وجود آمدن ادعا تا تاریخ رسمیت یافتن این بیانیه مستمر» در اختیار اتباع آن کشور بوده‌اند...».

۵ - خواهان مدارک مستندی به ثبت رسانده مبنی بر اینکه وی در تاریخ ۲۰ فروردینماه ۱۳۵۹ [نهم آوریل ۱۹۸۰] به تابعیت ایالات متحده درآمد. بنابراین هر ادعایی که قبل از این تاریخ بروز کرده باشد، از صلاحیت دیوان خارج است. در دادخواست ذکر شده است که ادعا در ۱۲ فروردینماه ۱۳۵۸ [اول آوریل ۱۹۷۹] یا حوالی آن تاریخ بروز کرد.

۶ - خواهان در لایحه معارضی که در دوم مردادماه ۱۳۶۸ [۲۴ ژوئیه ۱۹۸۹] تسلیم کرد، تقاضای فرصت بیشتر برای ادای توضیح راجع به تاریخ بروز ادعا کرد و اظهار داشت که به موقع خود ثابت خواهد نمود که ضبط اموال عملاء بین ۲۰ فروردینماه ۱۳۵۹ [نهم آوریل ۱۹۸۰] و ۲۹ دیماه ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] رخ داده است.

۷ - دیوان معتقد است که درخواست اصلاح تاریخ بروز ادعایی دعوا از ۱۲ فروردین‌ماه ۱۳۵۸ [اول آوریل ۱۹۷۹] که در دادخواست اظهار شده، به تاریخی بیش از یکسال جلوتر، توضیح نبوده، بلکه اصلاح دادخواست محسوب می‌شود.

۸ - اصلاح دادخواست مشمول ماده ۲۰ قواعد دیوان است که در بخش ذیربطر آن آمده است: "در طول جریان دادرسی هریک از طرف‌ها می‌تواند دادخواست یا دفاعیه خود را اصلاح یا تکمیل نماید، مگر آنکه دیوان داوری اینگونه اصلاحات را به علت تأخیر در انجام آن و یا تبعیض نسبت به طرف دیگر، یا به علت هرگونه شرایط و اوضاع و احوال دیگر مصلحت نداند".

۹ - پیرو تصمیم دیوان در پرونده شماره الف-۱۸ (مذکور در بند ۲ فوق)، خواهان به روشنی وظیفه داشت که ادله و مدارک لازم را درباره تابعیت غالب و موثر خود طی دوره ذیربطر ارائه دهد. دیوان در دستور مورخ ۱۸ تیرماه ۱۳۶۴ [نهم ژوئیه ۱۹۸۵] خود از خواهان درخواست کرد که اینگونه ادله و مدارک را تسليم کند.

ولی درخواست اصلاح دادخواست فقط در لایحه معارض خواهان که در ژوئیه ۱۹۸۹ به ثبت رسید، یعنی پنجسال بعد از تصمیم دیوان در پرونده شماره الف-۱۸ و بیش از هفت سال بعد از ثبت دادخواست، به عمل آمد. دیوان معتقد است که هم تأخیر در درخواست این اصلاح و هم کیفیت اصلاح پیشنهادی که اساساً "لواح هر دو طرف از سال ۱۹۸۵ به بعد پیرامون مسئله تابعیت خواهان را بی‌معنی می‌سازد و در نتیجه، موجب تضییع حق خوانده می‌گردد، این نتیجه‌گیری را توجیه می‌کند که با توجه به ماده ۲۰ قواعد دیوان چنین اصلاحیه‌ای در این مرحله از رسیدگی مصلحت نیست.

۱۰ - در نتیجه، دیوان صلاحیت رسیدگی به این ادعا را ندارد، زیرا خواهان از عهده ایفای الزامات بند ۲ ماده هفت بیانیه حل و فصل دعاوی برپیامده است.

حکم سوم.

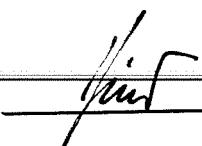
۱۱ - بنا به دلایل پیشگفته،

دیوان به شرح زیر حکم می‌دهد:

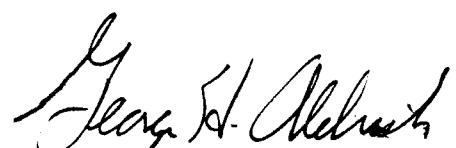
الف) ادعای مطروح توسط کامبیز حکیم علیه دولت جمهوری اسلامی ایران به دلیل فقد صلاحیت مردود است.

ب) هر یک از طرفین باید هزینه‌های داوری مربوط به خود را متقبل گردد.

لاهه، به تاریخ ۲۶/۰۲/۱۹۹۰ ۱۳۶۹ برابر با ۱۶ مه ۱۹۹۰

  
Robert Brinster  
رئیس شعبه دو

  
به نام خدا  
سید خلیل خلیلیان

  
George A. Albrink  
جرج اج. آلدربینک